

احزاب سیاسی پس از مشروطیت

(۴)

چگونگی

گسترش و عملکرد

کمونیسم

در

ایران



۲- حزب توده

پس از طفره رفتن روسها از تخریب، سریع ایران، پیشنها مطرح ایجاد کمیسیون سه جانبه با شرکت دولتهای روس و انگلیس و آمریکا برای حل مسائل ایران و تخریب، قوای متفقین توسط "بومین" وزیر امور خارجه انگلیس داده شد، کسه روسها بدو "موافق بودند، ولی بعداً" مخالفت نمودند.

حزب توده نیز به تبع ولی نعمت خود! مخالفت خود را با کمیسیون سه جانبه ابراز کرد.

موضع گیری حزب توده در قبال ظهور و سقوط فرقه دمکرات آذربایجان (برهبری پیشه‌وری و انگولک روسها) در سالهای ۲۴ و ۲۵ بازم نشانگر وابستگی این حزب به بیگانگی است، چرا که در آغاز خود را در جهت توافق با آنها سوق داد (با طناً موافق نبود)، ولی پس از شکست

فرقه، روزنامه مردم نوشت:

"آهسته آهسته ما نباید طرفدار آن باشیم و لوبقیت خونریزی در جهان به پیروزی موقتی نائل آئیم. بهتر آنست که ما در پناه صلح جهانی و پیشرفت آزادی در سراسر عالم پیش رویم" (۱)

چنانکه خواهیم دید ورود ارتش ایران به آذربایجان با توافق روسها عملی شد و این موضع گیری نیز از آن توافق ناشی می‌گردد.

چنانچه در احزاب کمونیست رایج است جناح بندیها و تقابلهای همیشه بوده و گاهی تا آنجا پیش می‌رود که به انشعابات، ویا کودتاهای خونین می‌انجامد. حزب توده نیز مستثنی نیست، اختلافات فکری از سال ۲۲ در آنها بوجود آمده بود. "دکتر ابریم" در سال ۲۴ جزوهای آماده کرد بنام "چه باید کرد" (۲) که نقیدی بود بر حزب و از بخش آن توسط کمیته مرکزی جلوگیری بعمل آمد، ولی در سال ۲۵ پس از شکست پیشه‌وری اختلافات مقداری شدت گرفت، و جزوه "چه باید کرد" با یک مقدمه و سه فصل انتشار یافت. قسمت اول درباره "شرایط کنونی (در همان سالها)، قسمت دوم آن حزب توده کافی برای اوضاع کنونی ایران هست؟ و قسمت سوم تئوری در طریق اصلاح حزب توده، و اینکه حزب پیشرو نیست و باید "جبهه مردم" را تشکیل داد.

در تاریخ ۱۵/۱۰/۲۵ هیئت اجرایی موقت که بجای کمیته مرکزی اداره حزب را بعهده گرفته بودند تا تدارک دومین کنگره را ببینند، در بی انتقاداتی از خود برآمده و بار دیگر بر عدم خروج از قانون اساسی تاکید نمود، و تا اطلاع ثانوی هر گونه تظاهرات و اعلامیه را ممنوع کرد، که این تحولات می‌تواند نتایج شکست پیشه‌وری و ورود ارتش به آذربایجان، تبلیغات رژیم، بدبینی مردم نسبت به حزب توده و اختلاف نظرهای داخلی باشد.

پس از چندی دوباره فیلشان با دهن دوستان کرد و به حیل گری افتادند و گفتند:

"حزب ما فوق العاده خرسند و سرور و مفتخر خواهد بود اگر از طرف روحانیون روشنگر و دانشمندان مورد حمایت قرار گیرد و آرزو دارد که تمام مقدماتین به دیانت اسلام بدون توجه به پهنای دشمنان، مطمئن باشند که حزب توده ایران حایم جدی تعالیم مقدس اسلام خواهد بود و با آن ذرهای معاندت و مخالفت نخواهد داشت" (۳)

و بار دیگر تصریح می‌کنند که برای رسیدن به هدفهای سیاسی و اجتماعی خود دست به قیام مسلحانه و شورش و اعمال شدت نخواهند زد.

حزب توده در پی این حوادث از آنجا که جو را مناسب نمی‌دید، انتخابات دوره پنجم را تحریم کرد و مجلس پنجم پس از یک سال و ۴ ماهه قوت، در ۲۵، ۲۶، ۲۷ افتتاح شد. بنوشته "مجله رژیم" (۴) از ۱۲۲ نفر نماینده مجلس، ۶۲ نفر مالک بزرگ، ۱۰ نفر کارخانه دار، ۲۲ نفر کارمند عالی رتبه و ۲۸ نفر وکیل دادگستری بودند.

حضور قوای روسیه در شمال و لگد پراکنده‌های پیشه‌وری در آذربایجان

وما نوره‌های حزب توده در مرکز و بعضی از شهرستانها، قوام (نخست وزیر وقت) را به مذاکره با روسها کشاند، و روی همین روال در تاریخ ۲۵/۵/۱۳۲۸ کا بهینه خود را ترمیم کرد و سه وزیر از حزب توده را داخل کا بهینه خود همود که عبارت بودند از: وزارتخانه‌های بهداری، فرهنگ و پیشه و هنر و سرانجام پس از دو ماه و نیم در ۲۴/۷/۲۵ با انحلال کا بهینه و معرفی دولت جدید و وزرای حزب توده را اخراج نمود.

در ادامه همان اختلاف نظرها و جناح بندیها خلیل ملکی برای خود گروهی ترتیب داده بود و زمینه بدست آوردن قدرت بیشتری را درون حزب می چید، فراکسیونی در کمیته اهلنتی تهران بوجود آورد، و در تیرماه ۲۶ در سومین کنفرانس اهلنتی تهران اکثریت را بدست آورد، و پس از کشمکشهایی سرانجام در تاریخ ۱۳/۱۰/۲۶ گروه ملکی با اعلام اطلاعیه‌ای انشباع کرده و خود را "جمعیت سوسیالیست توده ایران" نام نهادند و گفتند که ادامه دهندگان جنبه‌های مترقی حزب توده ایران می باشند. سران این گروه مردانی که اعلامیه را امضا کرده عبارت بودند از: خلیل ملکی، فریدون توللی، انورخا، جلال آل احمد، مهتدس حسین ملک، محمد امین محمدی، مهتدس ناصحی، محمد سالک، محمد علی جواهری، مهتدس زاوش، دکتر رحیم عابدی، و مهتدس اسماعیل زنجانی (۵). این گروه با بی مهری ربا ب بزرگ خود (روسها) روبرو شده، و ضمن اقرار به اشتباه خود انحلال جمعیت سوسیالیست را اعلام کردند.

"ایوانف" در این مورد می نویسد:

"عمال انگلستان بمنظور تضعیف جنبش دمکراتیک سعی داشتند تا درون حزب توده ایران و اتحادیه‌های کارگری شکاف ایجاد کنند. در ماه ژانویه ۱۹۳۸ عمال مزبور موفق شدند به کمک عده‌ای معدود دهره‌بری خلیل ملکی مرتد در حزب توده ایران ایجاد دفعه کنند ولی این تحریکات به نتیجه نرسید و خلیل ملکی پس از آن روز مجبور شد انشباع کند و از حزب خارج شود" (۶)

تشکیل کنگره دوم (۷)

مجموعه این جریانات، حزب توده را بر آن داشت تا تجدیدنظری در خود نموده و دستی به سر و روی خود بکشد. در اوائل سال ۲۷ موفق به تشکیل دومین کنگره حزب گردیدند. این کنگره تصمیماتی را در پی داشت که مرمانه و اساسنامه جدید و تجدید سازمان، و انتخاب کارهای بالا از اهم آن بشمار می رفت.

مهمترین قسمت چالش در این کنگره‌ها می توان این نکته دانست که: "تعلیمات داخلی حزب بر پایه مارکسیسم لنینیسم قرار گرفت" چسرا که تا قبل از کنگره، حزب همواره سعی می کرد مانند کبک سر خود را زیر برف نموده و از اعلام مارکسیسم بعنوان اساس ایدئولوژی حزب طفره برود تا شاید بتواند مردم مسلمان ایران را بفریبد، که قسمتهایی از آنرا در دستور قبل ذکر کردیم، ولی وقتی مشاهده نمود از این مسئله

طرفی نمی بندد، برده نفاق را کنار زد تا طریقی دیگر برای بدست آوردن قدرت به‌یازا آمد، در حالیکه در کنار تشکیلات حزب بطور جنسی به آموزش مارکسیسم همت می گذاشت و با کسانی که در این مسئله کار می کردند همکاری نزدیک داشت (۸)

طبق اساسنامه حزب مصوبه کنگره دوم، کمیته مرکزی شامل ۱۹ نفر عضو اصلی، و ۱۵ نفر مشاور می شد که مجموعاً "پلنوم (جلسه عمومی) کمیته عمومی را تشکیل می دادند. این عده عبارت بودند از: دکتر رضازاد منش، احسان طبری، دکتر حسین جودت، رضازوستا، دکتر فریدون کشاورز، دکتر غلامحسین فروتن، عبدالصمد کامبخش، دکتر بهرامی، دکتر مرتضی یزدی، احمد قاسمی، محمود بقراطی، دکتر گیانوری، مهتدس علوی، مهتدس شرمینی، صمد حکیمی، علی امیرخیزی، عبدالحسین نوشین، ایرج اسکندری، بابا زاده، و مشاورین: امان الله قریشی، جهانگیر انگاری، مرتضی راوندی، محمد حسین تمدن، علی متقی، شانداز مینی، سید شرفی، مهتدس صادق انصاری، بزرگ علوی، قاضی، محضری، فرخی، مهتدس اما موری، صیادتراد مریم فیروز.

پلنوم ها هر ۳ ماه یکبار با یکدیگر می شد، و یازده نفر هیئت اجراییه و ۵ نفر کمیسیون تفتیش حزب را از میان خود انتخاب می کردند که انتخاب شدگان رضازاد منش، بهرامی، طبری، جودت، کشاورز، فروتن، یزدی، قاسمی، بقراطی، گیانوری، علوی (هیئت اجراییه) و شرمینی، حکیمی، امیرخیزی، نوشین، بابا زاده (اعضا کمیسیون) تشکیل می دادند.

کامبخش، ایرج اسکندری و رضازوستا (دبیر اول شورای متحده مرکزی) پس از وقایع آنرا با همان بخارج رفته بودند و در آن کنگره شرکت نداشتند. در پلنوم، دکتر زاد منش به سمت دبیر کلی، و طبری بعنوان دبیر سیاسی، و کشاورز بعنوان دبیر تشکیلاتی حزب برگزیده شدند و مسئولیتهای دیگران و همچنین تقسیم نمودند، گیانوری مسئول (تشکیلات)، طبری (مطبوعات)، قاسمی (تعلیمات)، کشاورز (تعلیمات)، فروتن (اطلاعات)، بهرامی (دهقانان)، یزدی (فعالیتهای خارج حزب)، علوی (مالی) و بقراطی (کارگران). این کنگره توانست اثراتی در فعال شدن حزب داشته باشد، بطوریکه در ۲۷/۱۱/۱۵ چندین هزار نفر را در مراسم یادبود دکتر تقی ارانی در امامزاده عبدالله جمع کرد و در همین روز شاه که قصد ورود در مجلس جشنی در دانشکده حقوق را داشت، در حال پهباده شدن از ماشین مورد هدف گلوله‌های طپانچه شخصی بنام "ناصر خسرائی" قرار گرفت و مجروح گشت، ضارب دردم با گلوله‌های ماورین بقتل رسید. دولت اعلام کرد که ضارب وابسته به حزب توده بوده‌است. ایوانف در این باره می نویسد:

"در تاریخ ۳ فوریه سال ۱۹۳۹ بمنظور سرکوب سازمانهای ملی و دمکراتیک ایران، سو قصد تحریک میزی نسبت به شاه ترتیب داده شد، پس از آن ارتجاع گوشیدنا شخصی سو قصد کننده ربه حزب

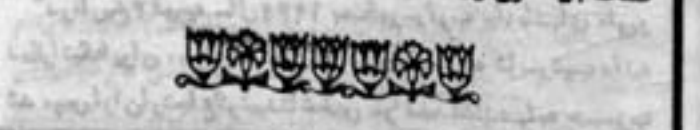
دنباله: اخلاق در اسلام

با کشته شدن ضارب مسئله روشن نشد (حزب توده نیز این مسئله را بعهده نگرفت). هرچند که شاه نیز در کتاب مأموریت برای وطنم از کشته شدن ضارب با تأسف یاد می کند (۱۰)، ولی مجله خواندنیها در همان زمان نوشت که این کار را "رزم آرا" بدستورانگلیس (حتما) چون شاه متعایل بها مریکا بوده) انجام داده است، و قصد کودتا داشته، شاه هم گفته بود نکشید، و آنها ضارب را کشته بودند (۱۱) خلاصه در پی این حادثه، به ارتش آماده باش داده شد و حزب توده غیر قانونی اعلام گشت و شش نفر از هیئت اجرایی همراه با دو نفر از کمیسیون تفتیش و یک نفر هم از مشاورین دستگیر شدند، طبری رادمش و کتایب و زبختارچ فرار کردند (پس از انقلاب اسلامی به ایران بازگشتند) و تنها از هیئت اجرایی بهرامی و فروتن ماندند که تا اواخر ۲۹ به شرمینی، قریشی و متقی رهبری حزب را بدست داشتند، هرچند که حزب وضع مناسبی نداشت، چرا که فعالیت علنی نداشت، و روزنامه های آن بسته شده بودند، چاپخانه های آن توسط دولت ضبط شد. در فاصله سالهای ۲۷ تا ۲۸ تنها چند پلای کبی منتشر کردند، و در فاصله سال ۲۸ روزنامه مردم هفتگی در قطع کوچک را چاپ کرد، و در سال ۲۹ با ترتیب دادن چاپخانه ای دوباره روزنامه مردم در قطع بزرگ و روزانه را چاپ نمودند (۱۲).

و مهمترین اختلافات درون گروهی که در کنگره دوم هم حل نشده بود، بین هشت نفر زندانی و پنج نفر بیرونی وجود داشت. پس از فرار زندانیان، کمیته ۸ نفری تشکیل و شرمینی در رأس سازمان جوانان قرار گرفت (۱۳) زندانیان و فراریان محکوم به اعدام شدند، ولی مواجه شد با جریانات مصدق و ملی شدن صنعت نفت، که حزب با استفاده از این فرصت موفق شد با یک سازمان نظامی خود، ده نفر از سران خود را از زندان قسر فراری دهد. با فرار سران، حزب دوباره چنانی تازه گرفت و در حوادث ملی شدن صنعت نفت به ادامه نقش خود در خدمت به شوروی و اقشارش پرداخت.

- ۱- از کتاب گذشته چراغ راه آینده
- ۲- اسناد جنبش کمونیستی ایران جلد اول
- ۳- تاریخ نوین ایران نوشته ابوانفروسی
- ۴- تاریخ سی ساله از جزئی
- ۵- ایران در دوره اعلیحضرت انوشیروان جاب ۱۳۲۲
- ۶- سیر کمونیسم در ایران

تذکر: در قسمت سوم مقاله در مجله شماره ۱۸ با سادارانقلاب صفحه ۵۴ ستون اول سطر ۱۳، ۱۳۲۲ صحیح است.



نفس بیشتر نیست، لیکن روح یا نفس این موجود عجیب دارای صفات مختلفی است: صفات حسنه و صفات رذیله، و به تعبیر دیگر نفس یا روح انسان دارای درجات و درکات است. درجات که تصاعد به سوی کمال است و رسیدن به مقام نفس سلیم، نفس مطمئنه و... و درکات که تنزل و سقوط به پستی و شقاوت است که نفس مطبوع، اعنی مریض و آثم نمونه های آن است. بنابراین کلیه حالات خوب یا بد نفس مراحل نفس هستند و بهیچوجه این حالات دلیل بر تعدد نفس و روح انسانی نیستند، و در علم اخلاق از همین مراحل و حالات یا درجات و درکات نفس بحث می شود و آنچه که ذکر کردیم اجمالاً از برخی این حالات بود که نشانه الله به توفیق الهی در مقام خودش دیگر صفاتی که موجب سعادت نفس و صفاتی که سبب شقاوت آن می شود بر خواهیم شمرد.

از خداوند متعال می خواهیم که تمام صفات رذیله نفسانی را که در قلوب ما وجود داشته یا بوسیله گناهان تحصیل کرده ایم موفقی شویم از خویشتن دور سازیم و با انصاف به همه صفات حسنه که در آیات و روایات وارد شده کمال الهی و انسانی دست ما بپیم و با چنین مقامی از این دنیا رخت بپندیم. ادامه دارد

دنباله: نماز

- ۱- الصلاة نور المؤمن من نهج الفصاحه ص ۳۹۶
- ۲- الصلاة تسود وجه الشيطان نهج الفصاحه ص ۳۹۶
- ۳- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۷۲- قال رسول الله صلی الله علیه وآله: "ان الله عز وجل اذاری اهل قریه قد اسرفوا فی العاصی و فیها ثلاثه نفر من المؤمنین نادم جل جلاله: یا اهل معصیتی لولا ان فیکم من المؤمنین لمتحنا بین جلالی العالمین بطلت بهم ارضی و ما جدی و المستغفرین بالاسحار خوفاً منی لا تزلت بکم عذاباً ثم لا یالی"
- ۴- اللهم انی اسئلك من جلالک باجله... (دعای سحر)
- ۵- گرچه عده ای نیز بسبب ندانستن شناخت نسبت به روح و زبان و حقیقت نماز و یا توجه به آن وارد از ادای آن سر باز می زنند که میباید است بحقیقت و آثار این برنامه جهش آفرین اسلام توجه بیشتری مبدول گردد.

- ۶- ویل للمصلین، ۳ ما عون
- ۷- من لم تشبه صلاته عن الفحشاء و المنکر لم یزد بها من الله الا بعداً (نهج الفصاحه ص ۵۸۲ و تفسیر برهان)
- ۸- قال الصادق علیه السلام: "من احب ان یعلم ان صلوته قبلت ام لم تقبل فلینظر هل منعه صلوته عن الفحشاء و المنکر فبقدر ما منعه قبلت منه" (اسرار الصلاه مرحوم ملکی ص ۱۱۴ و تفسیر برهان)
- ۹- ۱۰۹- ۱- ۳۷ و ۳۸ سوره آل عمران
- ۱۱- ۳۹ = = فنادت الاملا نکه و هو قائم یحلی فی- المحراب ان الله یشرک بیهیسی...
- ۱۲- باید دانست محراب (محل حربه و مبارزه) را که با و همچنین محراب داود که در آیه ۲۱ سوره (من) از آن سخن بیان آمده است محراب مسجد نبوده و آنها غرقه و عبادتگاهی در منزل داشتند که به مناسبت اختصار در سخن بجای عبادت و محل قیام بنماز محراب نامیده شده و از این مطلب چنین استفاده میشود که هر گس در هر جا به نماز قیام کند همانجا محراب است.
- ۱۳- و محراب المسجد قبل سنی لانه موضع محاربه الشیطان و الهوی، و قبل سنی بذلک لکن حق الانسان فیها ان یکون حریماً من اشغال الدنیا و من توزع الخواطر مفردات ص ۱۱۲
- ۱۴- فاستبقوا الخیرات ۱۴۹ بقره